

بررسی سبک نثر مقالات فرخی یزدی*

دکتر محمود صادق زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد یزد



۴۹

چکیده

روزنامه «طوفان» فرخی یزدی به مدت هشت سال از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۷ ش. منتشر می‌شد و فرخی، خود بسیاری از سرمقالات و بعضی از مقالات آن را می‌نوشت و بیشتر از نظر سبک انتقادی، گرایش‌های سیاسی و پیام‌رسانی در نثر مشروطیت اهمیت داشت و طبع آوشینگارش و جنبه ادبی آن در درجه دوم اهمیت قرار می‌گرفت. نثر فرخی یزدی را به سه نوع می‌توان تقسیم کرد: نثر روزنامه‌ای، نثر توصیفی، ادبی و نثر منشی‌انه، اما نثر غالب وی همان نثر روزنامه‌ای (انتقادی، خطابی) است، که هرچند بیشتر تحت تأثیر نثر روزنامه نگاری مشروطیت به ویژه روزنامه نویسی دهخدا بوده، به لحاظ امتیازات روزنامه نگاری و مختصات مقاله نویسی قابل توجه و بررسی است و در این مقاله سعی می‌شود به شاخصه‌های مقاله نویسی نواع نثر و ویژگی‌های سبکی نثر فرخی پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: مشروطیت، نثر فرخی یزدی، روزنامه «طوفان».

مقدمه

نثر معاصر فارسی از آستانه مشروطه تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی و آشنایی با دانش فرهنگ غربی به طور اساسی متحول و انواع ادبی جدیدی در آن ایجاد شد و به سوی سادگی و روانی و نزدیکی به زبان مخاطب و محاوره گرایید.

در سیر تحول نثر فارسی، به جز دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، دو عامل تأثیر بیشتری در سادگی و گسترده‌گی نثر فارسی معاصر داشته است، یکی روزنامه‌ها و دیگری ترجمه‌ها، به ویژه روزنامه نگاری که در دوره مشروطه خواهی به دلیل فراگیری و تأثیرگذاری جایگاه مهمی داشته است. بیشتر نویسندگان، مقالات خود را از طریق روزنامه‌ها منتشر می‌کردند. اغلب این روزنامه‌ها سیاسی و اجتماعی و بعضی هم علمی و ادبی بود. شاعران و نویسندگان توانایی چون عشقی، بهار، دهخدا، نسیم شمال فرخی یزدی و ۱۰۰۰ به مناسبت اوضاع و احوال خاص این دوره از پیوند سیاست و ادب به خصوص روزنامه نگاری و مقاله نویسی و شعر روزنامه ای بهره‌ها جستند. در این میان فرخی یزدی، «خداوند طوفان» (شاعر روزنامه نگاریا روزنامه نگار شاعر) به لحاظ امتیازات روزنامه نگاری، چون حق گوئی و سازش ناپذیری، واقع گرایی و ریشه یابی مسایل، توجه عمومی، دور اندیشی، صراحت و صداقت، استفاده از شعر و ۱۰۰۰ به همراه سبک انتقادی و آرمان خواهی و ثابت قدمی این راه از اهمیت خاصی برخوردار بود.

سر مقالات «طوفان» که اغلب فرخی، خود آن را می‌نوشت و متناسب با موضوع، رباعی یا غزلی هم می‌سرود و در بالای آن درج می‌کرد، به جز انعکاس واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی آن زمان، نشانگر سبک انتقادی و شیوه نثر نویسی و بیانگر مبارزات قلمی و جهت‌گیری‌های سیاسی و فکری و مسلکی وی هم بود. بنابراین برای شناخت سبک نثر وی تحلیل و بررسی آنها ضروری است. اما چون فرخی را از سویی بیشتر به عنوان شاعری آزادی خواه و روزنامه نگاری سوسیالیست مآب می‌شناسند، تا نویسنده و مقاله‌نویس، و از



سویی دیگر به دلیل اهمیت پیام‌رسانی و اثرگذاری و چیرگی مضامین و مفاهیم نشر دوره مشروطه، جز به ندرت به شیوه‌های نشر نویسی و حتی روزنامه‌نگاری فرخی پرداخته نشده است.

تنها پژوهشی که در این زمینه پدید آمده مقاله ارزشمند شیوه نشر نویسی فرخی یزدی (جلالی‌پندری، ۱۳۸۵) است، که نگارنده از آن بهره‌جسته است.

نثر غالب فرخی، به لحاظ اوضاع زمان بیشتر تحت تأثیر روزنامه‌نگاری مشروطه به ویژه شیوه روزنامه‌نگاری دهخدا بوده که پیشگامان عصر مشروطیت و از جمله دهخدا آن را از ترکیب نثر منشیانه دوره قاجار با فرهنگ و ادب غربی ایجاد کرده بودند (سپانلو، ۱۳۷۴، ص ۲۴) یعنی «زبان انقلاب و توده مردم» (سلیمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷) با این حال به دلیل امتیازات روزنامه‌نگاری و سبک انتقادی «طوفان» گرایش‌های سیاسی و مسلکی فرخی از مختصات هم برخوردار شده است. اگر پیشیوه معمول نشر فرخی به جز در روزنامه‌نگاری و سفرنامه شوروی، همان نثر منشیانه دوره قاجار (بینابین) بوده، که نمونه آن در مقدمه «فتح‌نامه سردار جنگ» (دیوان، ص ۲۶۲-۲۶۵) به کار رفته است.



۵۱

نگارنده در این مقاله بر اساس نتایج بازخوانی، تجزیه و تحلیل و بررسی روزنامه‌ها و سرمقالات «طوفان» که انجام داده، می‌کوشد، ضمن شناخت گونه‌ها و شاخصه‌های کلی سرمقالات طوفان به بررسی ویژگی‌های سبک نثر مقالات آن از جنبه‌های: نکته‌یابی، «لحن خطابی»، ابتکار و تنوع، حقیقت‌نمایی و عبرت‌آموزی، اسطوره‌پردازی و صراحت‌زبانی و بی‌طرفی در داوری و نیز بررسی انواع نثر و تحلیل عناصر سبکی و مختصات زبانی و ویژگی‌های ادبی و زیبا‌شناختی نثر آن پردازد و سرمقالات طوفان را که ماهیتی انتقادی، تحلیلی و کنکاشی دارند، با شواهد و نمونه‌هایی تحلیل کند.

۱- گونه‌شناسی و شاخصه‌های کلی سرمقالات فرخی یزدی

مقالات و نوشته‌های فرخی، بیشتر به انگیزه‌های سیاسی، روشنگری، آزادی و ... نوشته می‌شد و فرخی می‌کوشید، ضمن بیان واقعیت‌ها و اطلاع‌رسانی درست و تأکید بر

موانع و مشکلات اساسی، خودآگاهی‌های فردی، اجتماعی و سیاسی افراد را ارتقا بخشد و طبقات مختلف (به ویژه رنجبران و زحمت‌کشان) را علیه مستبدان و استعماگران بشوراند. این مقالات فرخی نه جنبه‌روایی صرف داشته، نه آموزشی، نه استدلالی نه قصد سرگرمی و تفریحی، بلکه بیشتر ماهیت کنکاشی و تحلیلی و انتقادی داشته است و فرخی در آن‌ها براساس اندیشه‌های مسلکی، وطنی و ملی و مذهبی خود و با استفاده از سبک انتقادی و لحن عنادی خود سعی داشته تمام عناصر و مراتب اجتماعی و حکومتی را از طریق انقلابی زیربنایی و اساسی به نفع رنجبران و زحمت‌کشان دگرگون کند.

از این رو نویسنده در انتخاب این گونه سبک و لحن در نظر داشته، که مهم‌ترین مسایل و موضوعات اجتماعی و سیاسی را با آگاهی نسبتاً کاملی که برخوردار بوده تحلیل و بررسی و انتقاد کند و نظرات و اندیشه‌های خود را در هر مقاله طوفان، ضمن اشعار و اخبار دیگر و البته صادقانه به صورت تکمیلی بیان کند. پرخواننده‌ترین و مؤثرترین بخش روزنامه‌های طوفان نیز - چنان که از بازتاب دیدگاه‌ها و نامه‌های خوانندگان مشخص می‌شود -^(۱) همین سرمقاله‌های انتقادی و سیاسی فرخی به ویژه در دوره اول طوفان بوده، که درباره‌ی مهم‌ترین مسایل اجتماعی و سیاسی کشور نوشته است؛ هر چند روحیه انتقادی و نگاه تیزبین فرخی بیشتر موضوعات، حتی مسایل فرهنگی، تربیتی، هنری و زبان و ادبیات فارسی را نیز در بر می‌گرفته است.

بنابراین، این گونه سرمقالات انتقادی طوفان، خواننده‌ای ستم‌کشیده و درد فقر و تبعیض‌چشیده را می‌طلبد که از لحاظ تاریخی، ملی و اجتماعی و سیاسی، با نویسنده درد مشترک داشته باشد، اگر چه با وی از نظر مسلکی هم طبقه و از نظر فکری هم عقیده نباشد. همین ویژگی درد مشترک و تأکید بر مسایل اساسی اجتماعی و اقتصادی (چون احساس فقر و تبعیض و...) بود که هر چند فرخی در این گونه سرمقالات بی‌پروا و شجاعانه و با لحنی بسیار شدید و سخت عنادآمیز علیه ستمگران، خائنان و مخالفان می‌تاخت، با این حال، یک نوع همبستگی عاطفی و روحیه دشمن‌ستیزی مشترک بین خواننده و نویسنده ایجاد می‌کرد؛ به طوری که خواننده، واژه‌آه آن نوشته را با بغض‌های فروخورده تاریخی خود در می‌آمیخت و آهی سوزان علیه مستبدان و استعماگران، از سینه



بیرون می‌دمید و جمله جمله آن‌اره فریاد خشمگین و خونین و طوفانی تبدیل کرده، برضه لئ ستمگران سرمی‌داد و در این حال، هرچه قدر واژه‌ها و جمله‌ها خشمگین‌تر و حملات طوفانی‌تر بود، بیشتر با نویسنده احساس مشترک پیدا می‌کرد؛ به ویژه که نویسنده مردمی آن، این احساس را به شیوه ساده و خودمانی و قابل درک برای عموم و تحت تأثیر زبان محاوره بیان می‌کرد.

وقتی احساس درد مشترک و ارتباط عاطفی خواننده و نویسنده برقرار می‌شد چنان بود که بغض ضد استبدادی خود را با احساس دشمن‌ستیزی مردم می‌آمیخت و هر دو را در واژه‌های منفور و زشتی، چون «ابوالهول»، «شوم»، «خیانت»، «فتنه» و... که عامه مردم به لحاظ تاریخی و درک سیاسی مشترک خود از آن بیزار بودند، می‌پیچید و چون چکشی (چکش کارگران) برسر «ابوالهول ارتجاع» (س ۲، ش ۸)، «خانواده خیانت» (س ۲، ش ۲۸)، «کابینه شوم» (س ۲، ش ۲۵)، «آشیانه فتنه» (س ۲، ش ۲۹) و... می‌کوبید و همانند داسی (داس رنجبران) برگردن وطن‌فروشان و خائنان فرود می‌آورد؛ البته از تمام زمینه‌های انگیزشی، چون مایه اساطیری ملی، تاریخی و حتی گرایش‌های مسلکی و... نیز بهره می‌گرفت.

از این رو گاه بعضی از واژه‌ها، بیانگر احساسات سرکوب شده مردم ستم‌کشیده و بازتاب کینه‌های فروخورده بود و به همین دلیل وقتی طوفان دردوره دوم (بنا به دلایلی)^(۲) مجبور شد که سبک و سیاق و مرام خود را تغییر دهد، به این احساس عاطفی و هم‌دردی آسیب رسید و در این ارتباط رخنه‌هایی ایجاد شد؛ به طوری که خوانندگان سخت به تنگ آمده، از طریق نامه‌های اعتراض آمیز خود فریاد برآوردند و خود طوفان نیز بدان اعتراف کرده است.

بنابراین در بررسی سبکی مقالات فخری با توجه به گونه‌شناسی و شاخصه‌های کلی دو نکته مهم به چشم می‌خورد: یکی این که از لحاظ موضوعی، نثر دلخواه فخری را به طور کلی می‌توان نثر ساده خطابی مسلکی و آرمان‌گرا قلمداد کرد؛ زیرا وی بیشتر مصالح و عناصر سبکی خود را از زمینه‌هایی گرفته، که با دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی و مسلکی‌اش هماهنگ بوده است. از این رو با یک نگاه سطحی بسامد زیاد واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی (آزادی، استقلال، استبداد، خودکامگی، ارتجاع و...) و نیز



اندیشه‌های جامعه‌اشتراکی (سوسیالیسم، کمونیسم، طبقات، اصناف، اتحادیه‌ها، کارگران، زحمت‌کشان، کاپیتالیسم، اشراف، سرمایه‌داران و...) در مقالات او بیشتر دیده می‌شود. نکته دیگر این که فرخی به لحاظ کارکرد اجتماعی و مخاطب‌شناسی (و شاید به دلیل عدم تحصیلات عالی‌الزاماً سبک روزنامه‌ای و زبان محاوره‌ای را برگزیده، که تابع ضوابط و تأثیرات اجتماعی روزنامه‌نگاری است و اگر به لحاظ شرایط سبک دیگری را انتخاب می‌کرد، ترجیح می‌داد که عناصر و مصالح دیگری را برگزیند چنان که در مقدمه کوتاه «فتح‌نامه حضرت سردار جنگ» (ایوان فرخی، صص ۲۶۲-۲۶۵) تحت تأثیر نثر پیشین به شیوه منشیانه نوشته که در آن بسامد کاربرد لغات و اصطلاحات زبان عربی و تعلیمات دینی و انواع آرایه‌های ادبی بسیار است. بنابراین کاربرد امکانات و وسایل زبانی در سبک فرخی تابع دو چیز بوده: یکی عوامل درونی شامل: انگیزه‌های سیاسی، اندیشه‌های آرمانخواهی و مسلکی و نیز روحیه ضد‌الاستبدادی و ضد‌استعماری و دیگر عوامل بیرونی چون: شرایط اجتماعی و تاریخی و هنجارها و ارزش‌های جمعی (زمان، مکان، محیط‌های عاطفی و احساسی و...)» (۰۰۰)



از این رو، فرخی از نظر صوری و زبانی بیشتر تحت تأثیر روزنامه‌نگاری دوره مشروطیت، به ویژه روزنامه‌نگاری دهخدا قرار داشت، یعنی: زبان ساده محاوره‌ای بعد از مشروطیت، که در صد کاربرد آرایه‌های ادبی و لغات مهجور عربی آن کم‌تر بود؛ جز این که به لحاظ مسلکی و گرایش‌های سیاسی خاص فرخی - چنان که اشاره شد - بسامد واژه‌های مسلکی و بعضی کلمات و اصطلاحات، در نثر او بیشتر بود و از سویی به دلیل عدم تحصیلات عالی نثر وی از نظر پختگی، استحکام، سلامت زبانی و شیوایی و روانی به پای نثر دهخدا و حتی بعضی از معاصرانش چون علی دشتی (۱۳۶۰-۱۲۵۹ ش) و از نظر ویژگی‌های نحوی و توصیفی به پای نثر میرزاده عشقی (۱۳۰۳-۱۲۷۲ ش) نمی‌رسید. فرخی به مانند علی دشتی از فرهنگ و ادب اروپایی و زبان عربی بهره کامل نداشت (آرین پور، ۱۳۷۴: ۳۲۶) و چنانچه عشقی از مطالعات نسبتاً عمیق و گسترده برخوردار نبود. هر چند

نثر ف رخی در مقایسه با نثر عشقی به لحاظ ساختار مقاله نویسی و استفاده از کلمات و ترکیبات عامیانه به هم شباهت داشت، ولی نثر عشقی به دلیل کاربرد لحن، واژه ها و اصطلاحات هجو آمیز با نثر ف رخی متفاوت بود. تفاوت بوکلای "ات مص و ر عشقی، ص ۱۵۲) به جز این، عشقی در توصیف پدیده ها و آوردن تشبیه و استفاده از مناظره نسبت به ف رخی برتری داشت (همان، صص ۱۴۰-۱۲۹) به نمونه ای از آن توجه کنید: در همدان دفعه اولی که سینما آوردند، غالب مردم وقتی چشمشان به پرده سینما می افتاد گمان می کردند واقعاً یک عده اشخاص در روی پرده بازی می کنند! آنها بی که می فهمیدند صورت ها آدم حسابی نیست و همه عکس است به دیگران می گفتند تا آنکه یکایک در موقع سینما رفتند و به پرده دست زدند و دیدن اشخاصی نیست و نور و عکس است. همینطور عجاته آ یک عده هنوز نفهمیدند که این جمهوری، نبود سینمای جمهوری بود ولی حتم آ تا چندی دیگر خواهند فهمید.» (همان، ص ۱۴۲) با اجمال نثر ف رخی به دلیل مختص "ات روزنامه نگاری طوفان و خصوصیات اخلاقی به ویژه مردم دوستی ف رخی از نثر عشقی صمیمی تر، دلنشین تر و عقیف تر به نظر می رسد.^(۳) البته بعضی از نارسایی ها و ضعف تألیف ها در نثر ف رخی به دلیل عدم تثبیت نثر معاصر بود، که دوران گذر از نثر منشیانه به ساده و روان امروزی را طی می کرد. بعضی دیگر نیز به دلیل این که ف رخی به انتقال پیام و اندیشه و اطلاع رسانی اهمیت می داد تا به چگونگی نثر آن.

با این حال، سبک ف رخی از لحاظ انتقادات بی پروا و رعایت بی طرفی و انصاف در داوری و انعکاس نظرات موافق و مخالف و صراحت و شجاعت بیانی و بسامد واژگان و اصطلاحات خاص سوسیالیستی و کارگری و اندیشه های جامعه اشتراکی و ضد اشرافی و نیز هم دردی با مردم رنجبر و زحمتکش - که باعث محبوبیت او در نزد عامه مردم هم بود- می توان سبک فردی و خط ف رخی تلقی شود.

۲- ویژگیهای سبک نثر مقالات ف رخی



الف- نکته‌یابی و اصطلاح‌سازی از دشمنان ملت و خائنان به میهن: یکی از ویژگی‌های مقالات فرخی به غیر از نوشتن به زبان ساده و روان و خودمانی، توان تشخیص مسایل و مشکلات اساسی و اجتماعی و اداری و انعکاس آن در روزنامه‌ها و مقالاتش بود. فرخی با درایت و زیرکی سیاسی، عاملان اصلی این مشکلات را شناسایی می‌کرد و آنان را آماج نثر و شعر انتقادی خود قرار می‌داد. شیوه‌ای که وی در مخالفت با این دشمنان استقلال و آزادی میهن برمی‌گزید و بردل خوانندگان می‌نشست، اصطلاح‌سازی از آنان بود و فرقی خصوصیت منفی این اشخاص را با بزرگ‌نمایی، به صورت قالبی مطرح، می‌ساخت و آن‌گاه اندیشه‌های انتقادی و سیاسی خود را در آن قالب‌ها و اصطلاحات ریخته، از طریق آن‌شکل‌های شخصیت‌تی، به حملات خود ادامه می‌داد.

این اصطلاح‌سازی هر چند ابتکار فرخی نبود و پیش از او دهخدا خالق آن بود، که در مقالات «چرند و پرند» برای شخصیت‌های منفی اصطلاحات و اشکالی همچون: دمدمی، نخود همه‌آش و ۰۰۰ می‌آفرید (سلیمانی، ۱۳۷۹، فصل ۶) این حال در نثر جدی، فرخی را می‌توان مبتکر شکل‌های شخصیت‌تی و اصطلاحات منفوری همچون «خانواده خیانت» (س ۲، ش ۲۸)، «ابوالهول ارتجاع» (س ۲، ش ۸)، «کابینه شوم» (س ۲، ش ۲۵)، «آشیانه فتنه» (س ۲، ش ۲۹)، «حکومت فشار» (س ۱، ش ۱)، «عدالت منصوری» (س ۳، ش ۲)، «مردم بی‌مسلك» (س ۳، ش ۲)، «آزادی خواهان شکست خورده» (س ۶، ش ۹۲) و ۰۰۰ به شمار آورد.

ب- لحن خطاب: از اصلی‌ترین ویژگی‌های سبک نثر مقالات فرخی یزدی به شمار می‌رود که گاه به شکل خطابه‌ای عرضه می‌شود؛ گویی نویسنده در برابر جمعی با لحن انتقادی سخن رانی می‌کند. (جلالی پندری، ۱۳۸۵، ص ۷۵) مانند: «قبول کنید، که اگر امروز در تهران و یا اقصی نقاط دنیا کسی نسبت به حکومت عقیده خلاف اظهار کند، جان و مال، شرافت و ناموس او مورد اعراض واقع خواهد شد. آیا تهرانی‌های غفلت زده آشکاراندیدند، که بر خلاف تمام قوانین عالم، مدیر یک روزنامه را تبعید کرده و دیگری



را به جرم این که به نام شرافت و عظمت مطبوعات تلز حقوق حقه او دفاع نموده، روزنامه‌اش توقیف و اداره‌اش را مهر و موم نمودند؟ این است حکومتی که ماده برجسته پروگرام خود را اجرای قانون قرار داده است؟» (آینه افکار، «حکومت فشار»).

گاه این لحن خطابی به گونه‌ای عینی و ملموس بود، که انگار مخاطب در برابر نویسنده نشسته و نویسنده از روی خشم به وی حمله می‌کند: «آقای سردار سپه! در مملکت مشروطه در مقابل مجلس، یک نفر وزیر هر چند مقتدر هم باشد، قانون به او اجازه نمی‌دهد، مدیر روزنامه را جلب به محاکمات عسکریه نماید ۰۰۰» (ابوالهول ارتجاع، س ۲، ش ۸) گاه این خطاب با چنان تحکم همراه بود، که طرف مقابل را به مبارزه فرا می‌خواند: نه، با این رویه زندگی قابل ادامه نیست. یا رویه خود را تغییر داده و مردم را در عقاید و افکار خود آزاد بگذارید؛ ۰۰۰ (همان)



۵۷

پ - ویژگی فضا سازی و توان توصیف‌گری فرخی گاهی برای آمادگی ذهنی خواننده، متناسب با موضوع، فضا سازی و مقدمه چینی می‌کرد و بدین منظور از داستان‌های تاریخی و روی دادهای مهم کمک می‌گرفت و به شرح موضوع و ماجرا می‌پرداخت؛ مثلاً: در سرمقاله «حکم یا خدمت» (س ۲، ش ۳۷)، با اشاره به جنگ‌ها و فتوحات و حوادث زندگی ناپلئون و جریان محاکمه روزنامه نویس همراه وی در دادگاه، آن روی داد را به جریان محاکمه رضاشاه و موسوی زاده ارتباط می‌دهد و ضمن ایجاد آمادگی ذهنی خواننده، زمینه توصیف و تحلیل را فراهم می‌کند. البته قدرت توصیف‌گری و بیان دقیق جزئیات فرخی بیشتر در سفرنامه شوروی وی، به ویژه در توصیف مراسم «ولین کنگره دوستان اتحاد جماهیر شوروی» (طوفان، س ۶، ش ۷۱-۸۷) مشخص می‌شود. (۴)

ت - ابتکار و تنوع در انتخاب عنوان‌های سرمقالات: یکی از ویژگی‌های مهم سبکی مقالات فرخی توجه به نوآوری و گوناگونی انتخاب عنوان‌ها و شیوه‌های ادای مطلب در سرمقالات وی بود، که به رغم جهتگیری خاص سیاسی و مسلکی طوفان و تکرار موضوعاتی چون: انتقادات سیاسی، اجتماعی، گزارش‌های مجلس، مهم‌ترین اخبار داخلی

و خارجی و... موجبات ملال خواننده را فراهم نمی‌کرد. از این رفو رخی در انتخاب عناوین سر مقالات شیوه‌های گوناگونی را به کار می‌گرفت: گاهی عنوان‌ها را خیلی کوتاه برمی‌گزید: «یک‌رنگی» (س ۷، ش ۱۷)، «باز هم» (س ۷، ش ۵۶) و «چاه آرتزین» (س ۷، ش ۶) و «پاپیتال و دهره باغبان» (س ۷، ش ۶۷)؛ گاهی نیز عنوان مقالات وی را ترکیب اضافی و وصفی تشکیل می‌داد، مثل: «هادیان دروغی» (س ۷، ش ۴۹)، «حکومت فشار» (همان) و ۰۰۰؛ در برخی موارد از ضرب‌المثل و اصطلاحات عوام بهره می‌برد؛ مانند: «ترس برادر مرگ است» (س ۷، ش ۶۸)، «فکر دیگری باید کرد» (س ۷، ش ۱۲۴)، «رحمت به مستوفیان قدیم» (س ۷، ش ۶۳)؛ گاهی به صورت پرسش آن را مطرح می‌کرد؛ مانند: «هنیست چیست؟» (س ۳، ش ۳۷)، «مسئول کیست؟» (س ۱، ش ۱۳) و ۰۰۰؛ و گاه جنبه تفسیری داشت: «زندگی یعنی مبارزه» (۱۳۰۶/۶/۳۰) (جلالی پندری، همان، ص ۷۷) گاهی کلمات و اصطلاحات کلیدی را برای عنوان سر مقاله انتخاب می‌کرد؛ مانند: «احتیاجات حقیقی ملت» (س ۱، ش ۱۹)، «سیاست خارجی ما» (س ۱، ش ۱۷)، «وظیفه پارلمان» (س ۲، ش ۱۴)، «علاّت بی‌کاری» (س ۳، ش ۲۱۵)؛ گاهی واژه‌ها و اصطلاحات احساس برانگیز و تحریک‌کننده را بدین منظور برمی‌گزید؛ مانند: «روز سرنوشت» (س ۲، ش ۷)، «قباله دوساله» (س ۲، ش ۷۱) و ۰۰۰؛ گاهی نیز در انتقادات خود یکی از صفات مذموم مخاطب را می‌گرفت و برای عنوان سرمقاله به کار می‌برد؛ چون: «خانواده خیانت» (س ۲، ش ۲۸)، «ابوالهول ارتجاع» (س ۲، ش ۸) و ۰۰۰؛ گاهی نیز صریحاً اسم و عنوان مخاطب را انتخاب می‌کرد؛ مانند: «به آقای رئیس‌الوزرا» (س ۳، ش ۱۰)، «هنورالسّـلطنه» (س ۳، ش ۵)؛ گاهی هم تلمیحی‌تهدک‌آمیز را به عنوان سرمقاله خود برمی‌گزید: حاتم بخشی عجیب» (س ۲، ش ۵۲ و ۵۳)، «تعبیر خواب ندیده» (س ۳، ش ۲۶) و ۰۰۰.



ث - حقیقت‌نمایی و عبرت‌آموزی فرخی در بعضی موارد، به جز انگیزه‌های سیاسی و انتقادی، برای آموزه‌های تاریخی عبرت‌آموزی مخاطبان نیز اهمیت بسیار قابل بود و ضمن تأکید بر نقش آینگی و حقیقت‌نمایی خود می‌نوشت: «... ما هم نشسته و تماشا

می‌کنیم، تازشت و زیبایی اعمال زمام‌داران را در صفحات طوفان برای عبرت آیندگان ثبت نموده و با کار خوب و عمل پسندیده، فداکاری خود را ثابت کنیم» (س ۲، ش ۴۸)

ج - اسطوره‌پردازی و اشاره به افتخارات گذشته‌اصو لاً یکی از نشانه‌های آثار و آرمان‌های وی باستان‌گرایی و اسطوره‌پردازی است، که در بررسی ویژگی‌های سبکی مقالات وی نیز نکته‌ای قابل توجه است. رّخی جدا از این که بعضی از عناوین سر مقالات خود را از اشارات اساطیری و تاریخی، چون: «مدفن سیروس می‌لرزد» (س ۲، ش ۴) برمی‌گزید گاه برای تقویت و تحریک انگیزه‌های ضد استبدادی و استعماری مردم با تأکید بر عظمت مفاخر گذشته می‌نوشت: «تا کی مدفن داریوش میراث این‌هاست!؟» (اشراف بوالهوس و مرتجعین مستبد)؛ تا چند سریر ارجمند کیخسرو بایستی بازبچه هوا وهوس سردار اقدس‌ها و قوام‌الملک‌ها، باشد». (س ۲، ش ۴)



۵۹

چ - صراحت زبانی و بی‌طرفی در نقد و داوری: از ویژگی‌های سبکی فرّخی، که بیشتر از خصوصیات اخلاقی و دینی وی مایه می‌گرفت یکی هم این بود که وی در اظهار نظر و نقد و داوری نظرات موافق و مخالف را (حتی نظرات دشمنان را) بی‌طرفانه منعکس می‌کرد و سپس به نقد و قضاوت می‌پرداخت. مثلاً: در سر مقاله «باز هم اعانه» (س ۳، ش ۳۴) ابتلا‌اعلامیّه وزیر معارف را به طور کامل ذکر و سپس با بیان نظرات موافق و مخالف آن را نقد کرده است.

وی حتّی نسبت به هم مسلکان خود هم، شرم حضور و ملاحظه‌کاری نداشت و در صورت لزوم با جدیّت و صراحت از آنان انتقاد می‌کرد و به آنان هشدار می‌داد: «هنگامی که لیدرهای سوسیالیست مآب، اشراف درجه اول مملکت را برای نمایندگی توده بیچاره و بدبخت کاندیدا می‌نمایند» (س ۲، ش ۶۲)، چه توقع از مردم مصیبت زده بی‌خبر از همه چیز است؟ از این رو اصو لاً در اخلاق سیاسی و روزنامه‌نگاری فرّخی هدف وسیله را توجیه نمی‌کند؛ مثلاً: در مقاله «احترام پارلمان» (س ۲، ش ۶۹)، به آزادی خواهان و دوستانشان خطاب می‌کرد، که: «۰۰۰ اندرز ما به رفقای آزادی‌خواه این است، که ما نباید با اسلحه

دشمن و با همان اسلحه سنگین، با خصم خود، جنگ کنیم؛ ما باید مدافع باشیم، نه مهاجم...»

۳. انواع نثر فرخی یزدی

(الف) - نثر روزنامه‌ای: که در واقع همان نثر ساده محاوره‌ای بعد از مشروطه است و خود

شامل دو گونه است:

(۱) نثر انتقادی نثر غالب فرخی: که وی بیشتر سر مقالات خود را با این گونه نثری نوشته و هنوز به پختگی و جنبه‌های فنی آن نرسیده است و در پیوند با زبان محاوره بود و بیانگر سیر تحول زبان روزمره و افکار و آرای جدید اجتماعی و سیاسی دوران مشروطیت، مقالات روزنامه‌ها و اخبار و گزارش‌های مجلس و ۱۰۰۰ از طریق آن منعکس می‌شد. (سپانلو، ۱۳۷۴: ص ۲۷۳-۲۷۴)

(۲) نثر توصیفی، ادبی: که در بعضی از مقالات تحقیقی و تفسیری و وصفی (با موضوعاتی چون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زبان و ادبیات فارسی)، به ویژه در دوره دوم طوفان به کار می‌رفت و از آن سبک انتقادی و شدیدالحن فرخی در آن چندان اثر و خبری نیست، مانند: سر مقالات: «دیدگاه سعدی» (س ۶، ش ۶)، «خطر زبان و ملیت» (س ۶، ش ۶۲)، «وطن خیه سام» (س ۱، ش ۱۵۴)، «چگونه باید نوشت؟» (س ۷، ش ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۵۱)، «پیدایش گنج نهفته» (س ۷، ش ۲۲۳ و ۲۲۷)، «محیط اروپا چگونه تربیت می‌کند؟» (س ۶، ش ۲۴۵)، «فکر ایجاد کار» (س ۷، ش ۱۵۶) و ۱۰۰۰.

البته اگر دقیق‌تر به نوشته‌های فرخی بنگریم نثر سفرنامه شوروی را از بعضی لحاظ چون قدرت توصیف‌گری و جزئی‌نگری و نیز بسامد بیشتر واژه‌ها و اصطلاحات سوسیالیستی و حکومت‌کارگری در مقایسه با گونه‌های نثری دیگر فرخی اندکی متفاوت می‌بینیم؛ به ویژه که در نوشتن این سفرنامه نشانه‌هایی از شیوه سفرنامه‌نویسی ناصر خسرو نیز به ذهن تداعی می‌شود، که شاید بتوان آن را «نثر سفرنامه فرخی» به شمار آورد، مانند «... دریا با



نرمش و طوفان به عموم مسافرین مخصوصا به «طوفان‌لهنیّت می‌گفت، حتی موج‌های درشت و کف آلودش رقص کنان به ساحل‌پریده و مقدم ما را استقبال می‌کردند.» (طوفان، س ۷، ش ۷۱-۸۱)

(ب) نثر منشیّه‌انه (سبک بین‌بین دوره قاجار) رخّی در روزگاری به نگارش مقالات خود پرداخته که هنوز نثر منشیّه‌انه از نثر نویسی آن دوران رخت برنسته است؛ البته کسانی مثل علی‌دشتی، که تحصیلات دینی را پشت سر گذاشته بوده اند در مقالات خود بیشتر با چنین نثری می‌نوشتند. (آرین‌پور، ۱۳۷۴: ۳۱۹) رخّی نیز در بعضی از موارد از چنین نثری تأثیر گرفته است، مانند هلمین که روی موافقت و موفقیت دید دیگر مشتیه‌ات اوج مدّیقف ندارد. (طوفان، ۱۳۰۶/۸/۳۰) و یا: «از امروز حکومتی که رهنمای تجرّ مدّ حساب می‌شود، بایستی رعایت‌ان‌سب و الیق را شرط عمده تفویض امور مملکتی بداند»

اما نمونه اصلی نثر فخرّی که در حواّیادی از نثر منشیّه متأثر شده است، مقدمه «فتح‌نامه سردار جنگ» است. یوان فخرّی، مکّی: ۲۶۵-۲۶۲)

نکته قابل ذکر این است، که فخرّی خود به چنین نثری اعتقاد نداشته و در این باره نوشته است: «از جمله کارهایی که برای تقویت و توسعه زبان خود می‌توانیم عمل کنیم، این است که به قدر امکان از استعمال آن کلمه‌های عربی را (کذا) که فارسی آن معروف باشد، خودداری کنیم؛ مثل این که «پوزش» را به جای «معذرت»، «کنکاش» را به جای «مشورت»، «پرورش» را بدل از «تربیت»، «داد» را به جای «عدالت» و «مهر» را عوض «محبت» استعمال کنند. دیگر آن که جمع با الف و تا، مثل: علامات و کمالات و دلالات، سؤالات، احترامات، انعامات، ترک شود» (طرز استعمال فارسی، س ۷، ش ۱۵: ۱) با این حال گویا فخرّی این دستورالعمل را برای دیگران صادر کرده چون در سر مقاله روز بعد روزنامه طوفان چنین مطلبی از قلم او تراویده است (جلالی‌پندری، همان، ۷۳): «از سیاست حالیه ایتالی چنین مستفاد می‌شود، که دولت مزبور در کمال صراحت شروع به مطالبه تعدیل قضیه کنتراهای دول معظمه بر ممالک مفتوحه نموده و مخصوصاً از دولت



فرانسه تقاضا می‌کند که در این زمینه موافقت بنماید، تا ایتالی بتواند مرام خود را حاصل گرداند.» («فرانسه و ایتالی»، ص ۷، ش ۱۳۳: ۱)

اما به طور کلی مقالات فرخی از نظر سبکی ساده و محاوره‌ای به لحاظ ماهیت بیشتر تحلیلی و توصیفی از نظر زبان طبعاً روزنامه‌ای و از نظر لحن انتقادی و جدی هستند که در برابر ستمگران، وطن‌فروشان و خائنان جنبه‌های عنادی و خشونت آن نمودار می‌شود.

د عناصر سبکی و مختصات زبانی سبک نثر فرخی:

(الف) - ویژگی‌های صوری و لفظی

(۱) نوشتن به زبان مردم فرخی در غالب سر مقالات و نوشته‌های خود با اقتضای زمان و مکان و شرایط و رعایت حال مخاطب می‌کوشید، مطابق فهم و درک عوام بنویسد؛ مانند: «انسان باید بچه باشد، تا نفهمد، که این همه جسارت و دلیری در خون ریزی از کجا آب می‌خورد و این آتش از کجا شروع شده است؟» («کمون کانتون»، ص ۷، ش ۹۵)

(۲) بسامد زیاد واژه‌ها و اصطلاحات و مسایل و موضوعات مربوط به سوسیالیسم اجتماعی و جامعه اشتراکی (به ویژه در سفرنامه شوروی)، که پیش از این اشاره شد.

(۳) بسامد فراوان واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی، حقوقی، پارلمانی، اداری و دیوانی و... مانند حکومت، ملت، مجلس مردم، قانون، رأی، تصویب، خودکامگی، مستبدان، استبداد، آزادی و...

(۴) کاربرد نسبتاً زیاد واژگان و اصطلاحات اروپایی؛ مانند: «دموکراسی»، «بوروکراسی»، «اریستوکراسی»، «انتریک»، «میلیتاریسم»، «پسیکولوژی عمومی»، «کنسرواتور»، «پرنسپ»، «مونوپول»، «فرونت»، «تلگراف»، «اتومبیل»، «دوسیه»، «تلفون» و... البته به قول بهار بیشتر خوانندگان روزنامه مفهوم این واژه‌ها و اصطلاحات را می‌فهمیدند، زیرا «این کلمات تازه چه فارسی، چه عربی، چه فرنگی، چون به تدریج وارد زبان شده بود، به تدریج نیز فهم می‌شد و هر نویسنده از دیگری تقلید می‌کرد و همه کس آن را می‌فهمید، بنابراین مقالات خوبی که در عصر خود مؤثر و زیبا و مفید تشخیص داده می‌شد، اگرچه پر بود از همین اصطلاحات و لغات، از حیث معنی و مراد ضرری به جایی



نمی‌زد.» (بهار، ۱۳۷۰: ۴۰۵) با این حال بعضی ازین گونه کلمات و اصطلاحات در حدّ فهم خواص بود، مانند: «پروگرام»، «بوروکراسی»، «پارازیت» و «پاپیتال و دهره باغبان»، همان)

(۵) کاربرد لغات و ترکیبات عربی به طور متوسط و معتدل رخّی در بیشتر موارد در این زمینه از کاربرد لغات و ترکیبات مهجور و ثقیل عربی پرهیز و سعی می‌کرد، به دور از افراط و تفریط در حد متعادل از آنها استفاده کند، مانند: «فلاحت»، «تم و لّین»، «ازمنه»، «مهلک»، «تتفّذّین»، «مالک متمّ لّته»، «مطامع»، «تشتتّ»، «ملوک الطوائف»، «فتّش» و... البته درجه دشواری این گونه کلمات و ترکیبات نسبی و برای خوانندگان گوناگون متفاوت بوده‌ام. اما هرچه به مخاطبان عوام و بی سواد نزدیکتر شده، درصد کاربرد آنها نیز کاهش یافته است.

(۶) کاربرد اندک شواهد و مثال‌های شعری در نثر مقالات خود (هرچند وی شاعری برجسته بود)؛ شاید به این دلیل که وی در هر شماره متناسب با موضوع در بالای سرمقالات خود یک رباعی و غزلی را هم در صفحات پایانی درج می‌کرد. هرچند شاید به نظر برسد که این استناد نکردن به شواهد شعری خود و یا بزرگان شعر فارسی در مقالاتش «می‌تواند دلیلی بر این نکته باشد، که فرخّی با وجود شاعر بودن از حافظه شعری خوبی بهره‌مند نبوده است.» (جلالی پندری، همان: ۷۰) اما با توجه به ویژگی روزنامه نگاری فرخّی (که در بیشتر موارد یک رباعی در آغاز و غزلی در پایان می‌آورد) و این که اغلب فی البداهه اشعاری متناسب با موضوعات سرمقالات خود می‌سرود، این نظر نمی‌تواند پذیرفتنی باشد.

با این حال نمونه‌های کمی هم وجود دارد، که فرخّی در مقالات خود به اشعار فارسی و عربی استناد کرده است؛ مانند: «اگر این منابع... این منابع حیثیت و نفوذ آنها، که خود شما و سیاست مداران بدان‌ها سپرده‌اید، بخشکد، از کجا و با چه چیز مقاومت می‌کنند و با که می‌توانند روبه رو بشوند؟ با کسی که خداوند وجود وی را برای روز مبادای ایران ذخیره فرموده و چنان خواسته است، که ملوک الطوائفی و هرج مرج مادی و معنوی ایران با دست توانای وی مرتفع گردد،» «استغفرالله... فاذا ارادالله شیئا لارد لقضائه»



هر که با پولاد بازو پنجه کرد ساعد سیمین خود را رنجه کرد»

و اذا اراد الله رحله دوله عن دار قوم اخطأ والتديرا «پایتال و دهره باغبان»، همان (۷) عیب‌ها و نارسایی‌های زبانی: به لحاظ ویژگی نثر روزنامه نگاری و انتخاب زبان مردمی فیز به دلیل عدم تحصیلات عالی فرخی، بعضی از نقص‌های دستوری و یا سستی‌ها و ضعف تألیف‌ها در نوشته‌های وی به چشم می‌خورد؛ مانند:

- عدم مطابقت نهاد با فعل: «گذشته از این که روز به روز مشکلات دولت در مدافعه از هجوم جوان‌های فارغ‌التحصیل، که غیر از تصاحب صندلی‌های رسمی ایده‌آلی ندارد بیشتر و شدیدتر می‌گردد.» (س ۷، ش ۱۲۴)

- ضعف تألیف، طولانی بودن جمله و مشخص نبودن مفعول در مثال زیر: «ما انتظار داریم، که وزارت معارف یک تکانی به دوائر و مؤسسات خود داده و حالت جمود و بی‌کاره بودن این عناصر فلج شده‌ای را که از کارخانه‌های مدارس به اسم فارغ‌التحصیل خارج می‌شوند، تحت نظر قرار می‌دهند» (همان)

- مطابقت صفت و موصوفه به تعبیرت از زبان عربی؛ مانند: «ممالک مفتوحه»، «دول معظّمه»، «جمعیت‌های مرعوبه» و ...

- کاربرد غیر فصیح واژه «یک» و «ی» برای «ناشناس» کردن؛ مانند: «یک موقعیت عظیم و جالب توجهی»، (س ۷، ش ۱۲۸)، «یک پیشرفت‌های اقتصادی و فکری و تربیتی بزرگی» (س ۷، ش ۱۳۱)

ب- ویژگی‌های ادبی و زیباشناختی در نثر فرخی: هرچند موضوع بیشتر مقالات وی سیاسی، انتقادی و مسلکی و لحن آن‌ها نیز خشونت آمیز و عنادی است، با این حال تحت تأثیر ذوق شعری و یا به طور طبیعی بعضی از زیورهای سخن اعم از بدیعی و بیانی در نوشته‌های فرخی به کار رفته است.

۱- آرایه‌های بدیعی



— اشارات و تلمیحات دینی؛ مانند: «یا باید، مانند قائدين فداکار و شجاع اسلام (حسین (ع)، مصعب ابن زبير) بايقين به مرگ و مغلوبيت، دامن شهادت و جان‌بازی به کمر استوار نموده، به ايستادگی و استقامت در برابر ابوالهول خودسری و ارتجاع، سعادت و افتخار ابدی را در ریزش خون بی‌گناه خویش مشاهده نموده. (س ۲، ش ۱۷: ۱) یا: «همان قسمی که در صفین پسر ابوسفیان برای نیرنگ بازی و مغلطه کاری و برای شکست احرار اسلام با نصب کردن قرآن به سرنیزه می‌خواست، مقاصد خصوصی خود را انجام دهد، پسر معتمد السلطنه نیز برای مغلوبیت و صدمه به آزادی خواهان، تکفیر و تحذیر ایشان را تلقین می‌نماید.» (س ۲، ش ۲۵، ص ۱)

و یا: «در صدر اسلام، زمانی عثمان ابن عفان، متمول ترین مردم قریش قائد لشکر بود و روزگاری همان عثمان به امر پیشوای مقدس اسلام در تحت اختیار و اقتدار غلامی (اسامه بن زید) فداکاری و جنگ می‌نمود.» (س ۲، ش ۶۴، ص ۱)

— تمثیل و ارسال مثل و فرهنگ عوام فارسی؛ مانند: «از آب گل آلود ماهی گرفتن» (س ۲، ش ۱۷، ص ۱)

— «ترس، برادر مرگ است» (س ۷، ش ۶۸)، «سنگ کسی را به سینه کوبیدن» (س ۷، ش ۴۹)، «بی غل و غش بودن» (س ۷، ش ۱۷) و...

— گاهی کاربرد این ضرب‌المثل‌ها به طور طبیعی و به شکل زیبایی در نثر جا افتاده است؛ چون: «آن سبوشکست و آن پیمانہ ریخت» در نمونه زیر: «ولی به حکم این که هیچ مؤسسه و حزب یا اتحادیه و جامعه در ایران نتوانسته است، تاکنون متأسفانه مستقل و پایدار باقی بماند و برای این که محیط ما کم‌تر آدم عملی و اهل کار تربیت کند، آن اتحادیه متلاشی گردیده و با تعطیل طوفان آن «سبوشکست و آن پیمانہ ریخت» و باز دیده می‌شود، که کشمکش و نزاع در این موضوع، مالک و مستأجر را به ستوه آورده و باز ناله و افغان مستأجرین بلند و سوزناک گردیده است.» (س ۶، ش ۶)



- کاربرد ضرب‌المثل‌های قرآنی و یا به زبان عربی؛ مانند: «من دکانم را که شش ماه پیش پنج تومان اجاره داشته است، می‌خواهم ده تومان اجاره بدهم: «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم»!؟» (س ۲، ش ۹۷)، یا: «طابق النعل بالنعل (س ۲، ش ۲۵)، «النادم کالمعدوم» (س ۲، ش ۵)

- اقتباس از آیات و احادیث: «لا نفرق بین احد من الاشراف»: «و ما هم به نوبه خود و کیلی را که دویت تومان و وزیری را که در ماه سه هزار تومان حقوق بگیرد، اعم از صالح یا طالح به سمت و کالت و وزارت نشناخته و همواره خواهیم گفت: «لانفرق بین احد من الاشراف» (س ۱، ش ۴۶)

- حس آمیزی: «دسیسه‌های رنگارنگ و نیرنگ‌های الوان» (س ۲، ش ۶) یا: «مقدمه روشن و آفتابی» (س ۷، ش ۱۲۸)

۲ - موارد بیانی (صور خیال)

الف - تشبیهات

- تشبیه بلیغ (به صورت اضافی): «زنگ غفلت و بیهوشی» (س ۲، ش ۲)، «غرقاب نیستی (س ۲، ش ۴)، «کلک روزگار» (س ۲، ش ۴۳)، «الواح درخشان ضمیر آزادی خواهان» (س ۲، ش ۱۷) و ۰۰۰

- تشبیه بلیغ به شکل غیر اضافی؛ مانند: تشبیه (احزاب به نباتات) در نمونه زیر: «۰۰۰» زیرا این احزاب شبیه به نباتاتی بودند، که از ابتدا کرم و حشرات موذی ریشه آن را فاسد نموده باشد، (س ۶، ش ۱۸)؛ البته در مثال فوق «کرم و حشرات موذی» را استعاره از عوامل و ایادی استعمار و استبداد می‌توان دانست.

تشبیه به صورت مفصل؛ مانند: «حیات بشر که مانند برگی در خزان متزلزل و لرزنده است، همیشه دچار کشمکش‌ها و متاعبی است، که جز فرشته عدالت کسی قادر و توانا به تأمین و آسایش آن نیست (س ۶، ش ۱۳، ص ۱)



- تشبیه به شکل مضمهر؛ مانند: تشبیه خط^ه به بهشت برین: «از این خطه پاک که دیروز رشک بهشت برینش می گفتند» (س ۲، ش ۴)

- گاه تشبیه تمثیل به کار می رود؛ مانند: «بچاره آن بدبختی که کارش به یکی از ادارات دولتی بیفتد. دیگر حکایت او قضیه عرب است و خیک (عربه در کنار رودخانه ایستاده بود، دید خیکی را سیل غلطانده، می آورد؛ به خیالش که پر از شیره است، دستی کرد از آب کشیده بیرون، نگو خیک نبوده و خرس بوده با عربه گلاویز شد. عربه از یک سر مدافعه می کرد و از طرف دیگر تکرارا می گفت: ما از خیک دست برداشتیم، خیک از ما دست بر نمی دارد؛ **فلا** با بورو کراسی کاملی که در همه ادارات حکم فرماست، هر که رجوعی به ادارات دولتی داشته باشد، مادام العمر اقلاً روزی یکبار تکرار خواهد کرد، که ما دست از سر خیک برداشتیم، خیک از ما دست بر نمی دارد.»^(۵) (س ۷، ش ۶۳)

ب - استعارات

استعاره مصرّحه؛ مانند: «تار و پود این رشته» (مبارزات و انقلابات آزادی خواهی و عدالت طلبی و ۰۰۰): «تار و پود این رشته گاهی می گسست و زمانی به هم می پیوست» (س ۲، ش ۵) یا: «آتش خرمن سوز» (انقلابات جهانی): «با این همه کانون انقلابات دنیا روشن تر شده و این آتش خرمن سوز در قلب های رنجیده و ستم کشیده خانه می کرد.» (همان) البهر این نمونه به جز استعاره مصرّحه، استعاره مکنیه^ه (روشن شدن کانون انقلابات) استعاره مکنیه^ه تشخیص (خانه کردن آتش خرمن سوز در قلب های رنجیده) نیز وجود دارد.

- استعاره مکنیه^ه؛ مانند: «موج افکار»: «موج افکار»، یا: «چنگال مالک الرقابی» (س ۲، ش ۴)

استعاره تهکمیّه^ه و تعریضیه^ه؛ مانند: «جسد مرتعش و حشرات الارض» (مستبدان و مفسدان و خائنان) (س ۲، ش ۳۳)

ج - کنایات

مانند: «دو اسبه تاختن»، «دست ها تا مرفق به خون رنگین کردن» (س ۲، ش ۸)، «وزیر تراشیدن» (س ۲، ش ۶)، «به خاک مالیدن» (س ۲، ش ۱۷) و ۰۰۰



نتیجه بحث

فرخی یزدی با این که سه گونه نثر: روزنامه ای، توصیفی، ادبی و منشیانه را در آثار خود به کار برده، اما نثر اصلی وی نثر «انتقادی، خطابی» بود که سرمقالات طوفان را می‌نوشت و بیشتر از نثر روزنامه‌ای دوه‌مشروطیه است، به ویژه روزنامه نویسی دهخدا تأثیر گرفته و به لحاظ سبکی میان نثر منشیانه دوره قاجار و نثر امروزی قرار داشته است. دو مشخصه اصلی سبکی مقالات فرخی یکی کارکرد اجتماعی و مخاطب شناسی است، که به همین دلیل الزاماً سبک روزنامه‌ای و زبان گفتاری را برگزیده و از این رو درصد کاربرد کلمات و ترکیبات محاوره و مثل‌های عامیانه در نثرش زیاد است و کاربرد لغات عربی و دشوار در حد معتدل، دوم ویژگی خطابی، مسلکی است که موجب شده واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی، سوسیالیستی و اروپایی بسیاری در آن راه یابد.

این دو ویژگی علاوه بر دیگر خصوصیات عمومی و اخلاقی فرخی چون: اصطلاح سازی از دشمنان، ابتکار در انتخاب عنوان‌های سرمقالات، واقع‌نمایی، شجاعت و صراحت زبانی و ثابت قدمی، باعث شده که نثرش صمیمی و خواندنی به نظر برسد و بر خوانندگان به ویژه هم‌دوران‌ها و هم‌فکرانش اثر بگذارد. با این حال نثر وی به لحاظ استحکام نثری، سلامت زبانی و نتیجه‌گیری‌های منطقی به پای نثر دهخدا و بعضی معاصرانش چون: علی‌دشتی و رهنما و از جنبه ادبی به پای‌نژد میرزاده عشقی نمی‌رسید، زیرا فرخی از سویی بیشتر به پیام‌رسانی اهمیت می‌داد و از سویی دیگر چون آنان از تحصیلات عالی و آشنایی با زبان عربی و فرهنگ غربی بهره کامل نداشت، از این رو چون بیشتر نثرهای روزنامه‌ای آن زمانه بعضی نقص‌ها و نارسایی‌های زبانی، مانند: یک دست نبودن نثر، ضعف تألیف، عدم مطابقت نهاد با فعل، تطبیق صفت و موصوف و ۰۰۰ در نثر وی نیز دیده می‌شود. نکته دیگر این که فرخی در مقالاتش چندان از نثر ادبی و شواهد شعری بهره نبرده، هر چند تحت تأثیر همان قریحه شاعری بعضی صورخیال و آرایه‌های ادبی در نثرش راه یافته است.



نکته پایانی این کفنام ف رخی یزدی به عنوان شاعری آرمان طلب و ثابت قدم و روزنامه نگاری مبارز و عدالت خواه و یکی از مردمی ترین فرزندان ایرانی همواره در جریده گیتی جاودان خواهد ماند.

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

در پیشگاه اهل خرد نیست محترم

هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

(دیوان، ص ۱۱۵)

پی نوشت‌ها

اِظاطَ لاعیه هها، آگهی ها و ارسال اخبار «مخبرین ولایت» و از انعکاس نظرات خوانندگان تحت عنوان «مکاتیب وارده» و «مکاتیب آزاد» روشن می شود که گستره طوفان نه تنها سطح کشور بلکه کشوره های خارجی را نیز در برمی گرفته و خوانندگان و مشترکان خارج از کشور هم داشته است که پی گیرانه سر مقالات طوفان به ویژه در دوره اول مطالعه می کردند. به عنوان نمونه قسمتی از نامه یکی از ایرانیان خارج از کشور نقل می شود: «مکاتیب آزاد»: یکی از ایرانیان مقیم خارجه و مشترکین طوفان که از رویه و مسلک طوفان آگاه می باشد از برلن می نویسد: آقای مدیر! روزنامه طوفان همه هفته و مرتباً می رسد و ازین حسن ظن حضرت عالی بی نهایت متشکرم. من که در یکی از بزرگترین شهرهای متمدن دنیا مسکون و با قلبی سرشار از آرزو مندی و اشتیاق هر لحظه منتظر مستخدم پست و مطالعه جراید و مکاتیب ایران می باشم اما اگر اجازه بدهید می خواهم طرز و رویه طوفان صحیت کنم و بدانم علت چیست که این روزنامه منقذ و تند رو امروز جنبه سلامت روی پیش گرفته و از ان حقیقت گویی و انتقاد صریح از دزدان و غارت گران اجتماعی به پند های حکیمانه و اشعار نصحیت آمیز سعدی پرداخته است...» (س ۶، ش ۸۱)

۲-ر.ک: طوفان روزانه، س ۱، ش ۷، ص ۱؛ سپانلو، محمدعلی، «چهارشاعر ازادی»

۳-ر.ک: کلیات مصور عشقی، کتاب سوم - مقالات عشقی، مقاله سوم، صص ۱۵۹-۱۵

۴-ر.ک: طوفان، س ۷، شماره های (۸۷-۷۱) تاریخ ۱۳۰۶/۹/۵ تا ۱۳۰۶/۹/۲۳ و نیز: بخش «سفرنامه شوروی» ضمیمه کتاب «سرانجام یک رؤیای سیاسی»، نوشته رضا آذری شهرضایی.



۵- دکتر جلالی این مثال را «داستان واره ضرب المثل» به شمار آورده است. (جلالی پندری، ص ۶۷)

منابع و مأخذ

- ۱- آذری شهرضایی، رضا (۱۳۸۱)، کتابفرخی یزدی سرانجام یک رویای سیاسی، تهران، انتشارات شیرازه.
- ۲- آراین پور، یحیی (۱۳۷۹)، از صبا تا نیما، چ ۷، تهران، انتشارات زوار.
- ۳- _____ (۱۳۷۴)، از نیما تا روزگار ما، ج ۳، تهران، انتشارات زوار.
- ۴- بهار، محمدتقی، (۱۳۷۰)، سبک شناسی، ج ۳، چ ۳، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۵- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۹)، امثال و حکم، چ ۱۱، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۶- رحمان، هرمز (۱۳۸۰)، ادوار نثر فارسی، تهران، انتشارات سمت.
- ۷- سپانلو، محمدعلی، (۱۳۷۴)، نویسندگان پیشرو ایران، چ ۵، تهران، انتشارات سهیل.
- ۸- _____ (۱۳۶۹)، چهار شاعر آزادی، تهران، انتشارات نگاه.
- ۹- سلیمانی، بلقیس (۱۳۷۹)، همنوا با مرغ سحر (زندگی و شعر علی اکبر دهخدا)، تهران، انتشارات نشر ثالث.
- ۱۰- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳)، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۳، چ ۲، اصفهان، انتشارات کمال.
- ۱۱- _____، حسینی، (۱۳۶۹) دیوان فرخی یزدی، چ ۹، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۲- _____، مسرت، حسینی، (۱۳۸۰) دیوان فرخی یزدی، تهران، نشر قطره.
- ۱۳- کامشاد، حسن، (۱۳۸۴)، پایه گذاران نثر جدید فارسی، تهران، نشر نی.
- ۱۴- مسرت، حسینی، (۱۳۸۴)، پیشوای آزادی، تهران، انتشارات ثالث.
- ۱۵- میرزاده عشقی، محمد رضا، (۱۳۵۷) کلیات مصور عشقی، به کوشش علی اکبر مشیرسلیمی، چ ۷، تهران، انتشارات امیر کبیر.

مقالات

- ۱- جلالی پندری، یدالله، شیوه نثر فرخی یزدی «مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۱۹ (پیاپی ۱۶)، بهار ۸۵.



- ۲- رُخِی یزدی محمّد، طوفان (دورهٔ کامل روزنامه های موجود)، از س ۱، ش ۲ (۱۳۰۰/۶/۱) تا سال ۸، بهمن ۱۳۰۷.
- ۳- _____ «سفرنامهٔ شوروی»، س ۷، ش ۷۱-۸۱ (از یکشنبه ۱۳۰۶/۹/۵ تا پنجشنبه ۱۳۰۶/۹/۲۳).

